

معرفی رمان «رستاخیز»

وصیت نامه هنری تولستوی



تولستوی

دیمیتری ایوانوویچ نخلیودوف، امیرزاده خوش نام و عضو هیئت منصفه دادگاه، که در تدارک ازدواج بادوشیزه‌ای ثروتمند از خانواده‌ای اشرافی است، در یکی از جلسات دادگاه، ناظر جریان محاکمه بانویی بدنام به نام «ماسلوا»، به جرم قتل یک تاجر عیاش در یک مهمان خانه، است. ناگهان، نخلیودوف متوجه می‌شود که منتهم رامی‌شناسد؛ او بانویی است که چندین سال پیش ونخستین بار، خود نخلیودوف، او را اغوا کرده و به راه خلاف افتاده است. حکم دادگاه، تبعید ماسلوا به سبیری با اعمال شاقه است و حکم دادگاه درونی وو جدانی نخلیودوف، چیزی است که بهتر است خودتان با خواندن رمان از آن آگاه شوید. در ادامه، به چند نکته درباره این آخرین رمان تولستوی و تکمیل‌کننده سه‌گانه مشهور او -که دو تاشان را در دو هفته گذشته در همین ستون مرور کردیم- اشاره می‌کنم.

❶ «رستاخیز»، برخلاف «جنگ و صلح» و «آناکارنینا»، داستانی جمع و جور و سراسرت و مکان‌ها و شخصیت‌هایی محدود دارد که البته با استادی تمام پرداخت شده‌اند. تقریباً نیمی از داستان در زندان و دادگاه می‌گذرد و بیش از دوسوم آن، توصیف اعمال و افکار و گفتارهای دو شخصیت اصلی زن و مرد آن است.

❷ تولستوی این آخرین رمان خویش را پس از یک دوره تحول روحی (از میان چندین تحول روحی دوران حیاتش) نوشت، دوره‌ای که نتیجه فاصله‌گرفتن او از محیط‌های اشرافی (مانند آنچه در «جنگ و صلح» می‌بینیم) و زیستن با افراد فقیر و ضعیف جامعه بود. جای جای رمان آکنده است از توصیف‌های هنرمندانه و البته تلخ و تاریک نویسنده از اوضاع و احوال محله‌های فقیرنشین و ساکنان آن‌ها و وضع ناپسامان زندان‌های روسیه. جمله‌ای که در ادامه از صفحه ۴۴ رمان نقل می‌کنم، به روشنی، تأثیر محیط زندگی بر تغییر نگرش انسان را نشان می‌دهد: «نخلیودوف به این نتیجه رسیده بود که آدم‌های محیطی که وی در آن زندگی می‌کند، رنج و بدبختی مردم ستم‌دیده را نمی‌بینند.»

❸ پیش از این نیز گفته‌ایم که یکی از ویژگی‌های مهم شخصیتی تولستوی، صداقت او با خویشتن و در نتیجه، ریاستیزی (مشابه حافظا) است. رومن رولان، در کتاب «زندگی تولستوی»، صفحه ۱۵۸، چنین نوشته است: «تولستوی ریا در ایمان و عشق را بیش از انکار ایمان و عشق، دشمن می‌داشت. او درباره این دو پدیده نوشته است: "ملحد را هیچ‌گاه ملالت نمی‌کنم. آن‌گاه که مردم ریا می‌کنند و به دین داری تظاهر، این همان ردیلت است." یا "خدا ما را از ریا در مهر ورزیدن، که بدتر از کینه و نفرت است، در امان دارد!" و چنین به نظر می‌رسد که بن مایه «رستاخیز»، چیزی نیست جز خلوص در عشق.

❹ حال که ذکر خیر رومن رولان شد، اجازه دهید به بخش دیگری از کتاب او نیز اشاره کنم: «رستاخیز» به‌گونه‌ای وصیت‌نامه هنری تولستوی است. او هنگام نگارش این رمان، هفتادساله است و از جایگاه رفیع خویش به جهان، زندگی، خطاهای گذشته، ایمان و خشم‌های بی‌آلایش خویش می‌نگرد، اما جان او، همانند "جنگ و صلح"، برقرار موضوع اصلی‌اش پرواز درمی‌آید. «ص ۱۲۹) همچنین، رولان معتقد است که تولستوی هیچ‌گاه با قلبی چنین توانا، شخصیتی را خلق نکرده است که شخصیت «نخلیودوف» را در رمان «رستاخیز».

❺ خاطرم هست که سال گذشته و در همین ستون، به معرفی کتاب خواندنی «سقراط اکسیرس» (نوشته اریک وینر، ترجمه‌شادی نیک رفعت، نشر گمان، ۱۴۰۰) پرداختیم که درباره اندیشه‌های چهارده فیلسوف مهم تاریخ اندیشه بود. از جمله ژان-ژاک روسو، در آنجا، آمده بود که چکیده اندیشه روسو را می‌توان در این دو جمله کوتاه خلاصه کرد: «طبیعت خوب است. جامعه بد است.» جالب است که رومن رولان نیز، در صفحه ۱۷۰ کتاب «زندگی تولستوی»، آورده است: «روسو به خاطر مهر به طبیعت و از آن طرف، کینه و نفرتش از جامعه امروزی، در اواخر عمر تولستوی، مورد توجه، علاقه و استناد اوقرامی گیرد. به‌گونه‌ای که تولستوی می‌گوید، "آن چنان نوشته‌های روسو بر دل من می‌نشیند که گمان می‌برم خود آن‌ها را نوشته‌ام."» به نظر حقیر، یکی از بخش‌هایی که به روشنی و زیبایی این اندیشه محوری روسو، یعنی پاکی طبیعت و ناپاکی جامعه، را در آثار تولستوی نشان می‌دهد، صفحه نخست همین رمان «رستاخیز» است. به این جملات توجه کنید: «درختان توس و سفیدار، برگ‌های چسبناک و معطر خود را می‌گسترانیدند. درختان زیزفون در غنچه‌های چاک خورده خود هوا می‌دمیدند و آن‌ها را برپشت و انبوه می‌ساخند. راغ‌ها، گنجشک‌ها و کبوتران، همان‌گونه‌که معمول بهار است، با شور و نشاط مشغول تدارک آشیانه بودند. [...] لیک مردم، یعنی مردم بزرگ سال و بالغ، اندام‌کارشان این بود که هم خود و هم یکدیگر را فریب و آزار دهند. چیزی که مورد احترام و توجه آدمیان بود! بهار و زیبایی‌های طبیعت [نبود، بلکه آن چیزی در نظر مردم ارزش و اهمیت داشت که خود برای حکومت‌کردن و برتری جستن بر یکدیگر اختراع نموده بودند.»

❻ «رستاخیز»، رسوایش از فلسفه‌های تولستوی درباره مفاهیم بنیادینی که معمولاً با پرسش‌هایی ساده اما عمیق (مشابه آنچه کودکان پنج ساله می‌پرسند و انصافاً پاسخ دادن به آن‌ها، اگر نگوئیم ناممکن، بسیار دشوار است)، آغاز می‌شوند. به عنوان نمونه، بحث «مالکیت شخصی»، که ریشه بسیاری از دعوا و مراغه‌ها در طول تاریخ بوده است، یکی از مباحثی است که بارها در رمان مورد تفلسف قرار می‌گیرد. این جملات را از صفحه ۳۹۵ نقل می‌کنم: «زمین نمی‌تواند ملک شخصی کسی باشد. زمین نیز، مانند آب، مانند هوا و مانند نور خورشید، نمی‌تواند مورد خرید و فروش قرار گیرد. به نظر شما، چرا و چگونه یک انسان، هزاران سال پیش، به ذهنش رسید که دور زمینی را احصار بکشد و آن را ملک شخصی خود اعلام کند؟» جای فوکو خالی!

❼ و در پایان، نکته‌ای درباره نام رمان که واژه‌ای است فارسی و بسیار کهن، خانم دکتر مهری بهفر، مؤلف دانشمند «شاهنامه فردوسی: تصحیح انتقادی و شرح یکایک ابیات»، در دفتر دوم این اثر و حین شرح بیت ۱۴۶۷، داستان منوچهر «تو گفتی مگر روز انجاش است/ یکی رستخیز است گر رامش است» [ص ۳۸۹]، آورده است: «رستخیز: (اسم مرکب)

رستاخیز: از رست (که در زمان ساسانیان ristaغ تلفظ می‌شده، به معنای جسد یا لاشه) + خیز (که فعل امر است از مصدر برخاستن). «خواجہ شیراز نیز این واژه را در بیتی تصویری به‌کار برده است: «بیاله بر کفتم بند تا سحرکه حشر/ به می ز دل ببرم هول روز رستاخیز.»

«رستاخیز»، نوشته لف تالستوی، ترجمه اسکندر ذبیحان، نشر توس، ۱۳۹۳ چاپ دوم، ۷۸۶ صفحه.

شهرآر

شنبه
۱۳۴۳ هجری قمری
۱۳۹۳ شمسه

۱۰

فرهنگ و ادبیات

علی باقریان

گفتار اندر ستایش امیرک منصور

جوان بود و از گوهر^{۱۸} پهلوان

خردمند و بیدار^{۱۹} و روشن روان^{۲۱}

❶ بدین نامه^{۱۱} چون دست بردم فراز^{۱۲}

یکی مهتری^{۱۳} بود گردن فراز^{۱۴}

❷ خردمند و بیدار^{۱۹} و روشن روان^{۲۱}

❸ خداوند^{۱۸} رای^{۱۱} و خداوند شرم

❹ سخن گفتنش خوب و آوای نرم

❺

❻ «تا آنجا که در توانم باشد، به تویاری

❽

❾ می‌رسانم تا در جهان نیاز مند هیچ کسی نشوی.»

❿ برای شنیدن این ابیات، کدر و بهر و را اسکن کنید:

یک هفته با نماینده‌های فرهنگی و ادبی مشهد

پنج برگ از کتاب

«شهرآرا» در هفته «کتاب و کتاب‌خوانی»، هر روزه، یک

نویسنده یا مترجم، یک کتاب، یک ناشر، یک کتاب‌فروشی و

یک کتابخانه مشهد را معرفی می‌کند

محبوبه عظیم‌زاده

در تقویم رسمی ما، از ۲۴ آبان تا یک هفته پس از آن را به نام «هفته کتاب و کتاب‌خوانی» نام‌گذاری کرده‌اند. به همین مناسبت، «شهرآرا» تصمیم گرفته است در روزهای باقی‌مانده از این هفته، هر روز، یک نویسنده یا مترجم، یک کتاب، یک ناشر، یک کتاب‌فروشی و یک کتابخانه مشهد را، هرچند مختصر، معرفی کند.

گزارش

«ناخن کشیدن روی...»



« ناخن کشیدن روی صورت شفیع الدین»، جز آنکه کتاب خوبی برای عموم علاقه‌مندان به داستان و رمان است، برای آن دسته از همشهریانی‌هم که ترجیح می‌دهند قصه‌ای بخوانند که در قلب مشهد رخ می‌دهد و از فضای زیست و زندگی‌شان دور نیست، انتخاب خوبی است.
قصه این کتاب حول یک خانه می‌چرخد؛ خانه‌ای که تنها با زمانه از نسل‌خانه‌های قدیمی شهر در جوار حرم امام هشتم^(ع) است و در میان انبوه هتل‌ها و آپارتمان‌ها که سر به آسمان کشیده‌اند، یکه‌مانده است و ممکن است -دیر یا زود- به سرنوشت باقی‌خانه‌ها دچار شود؛ البته این تنها ویژگی منحصر به فرد خانه نیست؛ وجود یک قبر در حیاط کوچک آن، موقعیت این خانه و خانواده‌اش را از مسکن^۱، «بو طلیق‌ای شهر» و «مبانی فرم» بخشی از کتاب‌های این ناشرند. شما با مراجعه به سایت این انتشاراتی، به آدرس kasrapublishing.ir، می‌توانید کتاب‌های تازه خود را، «کتابکده کسری» مطلع شوید و هم‌از تخفیف‌های ویژه آن بهره‌برید.



ایامی دانستید که انتشارات «کتابکده کسری» یک انتشاراتی مشهدی است که به صورت تخصصی در حیطه کتاب‌های هنر، معماری و شهرسازی فعالیت می‌کند؟ پس، اگر از علاقه‌مندان یا دانشجویان این حوزه‌ها هستید، می‌توانید کتاب‌های تخصصی خود را در بین محصولات این ناشر جست‌وجو کنید. این نشر در وب‌سایت خود به دانش‌پژوهان و صاحب‌نظران این حوزه هم‌نویس داده است که در تولید محتوای ارزشمند با آن‌ها همکاری می‌کند. بد نیست بدانید که این ناشر تخصصی هنر و معماری و شهرسازی در سال ۱۳۸۵ فعالیت خود را آغاز کرده، اما چهار سال بعد از آن مجوز نشر گرفته و خوشبختانه تا به امروز هم با مدیریت مهدی آتشی، به فعالیت خود ادامه داده است. «تأملاتی در باب شعرسرایي»، «تاروپود معماری جهان»، «انسان‌شناسی مسکن^۲»، «بو طلیق‌ای شهر» و «مبانی فرم» بخشی از کتاب‌های این ناشرند. شما با مراجعه به سایت این انتشاراتی، به آدرس kasrapublishing.ir، می‌توانید کتاب‌های تازه منتشرشده «کتابکده کسری» مطلع شوید و هم‌از تخفیف‌های ویژه آن بهره‌برید.

کتاب‌فروشی «قلم»



در یک بازه زمانی، تا جمع شدن هم پیش رفت، اما خوشبختانه، به عنوان یکی از کتاب‌فروشی‌های قدیمی شهر مشهد، سرجایش باقی‌ماند و همچنان، در چهارراه فرهنگ شهر یا همان چهارراه دکتر (بین ابن سینا^{۱۱} و ۱۳)، محل رجوع کتاب‌دوستانی است که در جست‌وجوی کتاب مورد علاقه خودشان، هنوز به کتاب‌فروشی می‌روند. این افراد، این روزها، البته می‌توانند جز اینکه کتابشان را از این کتاب‌فروشی می‌خرند، کنار میز کوچک میان سالن آن هم دقایقی بنشینند و اسپرسو سفارش بدهند و بنوشند و در کنار آن، گدعه‌های فرهنگی کوچک در سه نفره برگزار کنند و گپ بزنند. احمد باروح حدود چهل سال است که کتاب‌فروشی «قلم» را سرپاینگه داشته و سعی کرده است با کتاب‌های تازه خودیاری، کودک و نوجوان، داستان و رمان، و -کلا- حوزه علوم انسانی به روز نگیش دارد. او یک کانال فروش کتاب هم راه‌انداخته است که به آن کتاب‌های تازه خود را، می‌کند. درضمن، سفارش و خرید آنلاین از این کتاب‌فروشی امکان پذیر است.

کتابخانه «مسجدالرضا»



اگر اهل مطالعه در فضای کتابخانه بوده باشید، شاید کتابخانه «مسجدالرضا»^(۱) در خیابان رضا را هم دیده باشید. جالب است بدانید که این کتابخانه در سال ۱۳۶۱ بنا به درخواست مردم محل تأسیس شد. تقاضای افراد باعث شد استان قدس رضوی محل آستین همت را بالا بزند و در طبقه فوقانی «مسجدالرضا»^(۲) کتابخانه‌ای بسازد که حالا تبدیل به یکی از پاتوق‌های مطالعه دانش‌آموزان بسیاری شده است که در جست‌وجوی فضایی دنج و ساکت برای مطالعه‌اند. آن‌گونه که آثار و ارقام مندرج در سایت کتابخانه می‌گوید، داشته‌های آن شامل ۵۶ هزار جلد کتاب چاپی، ۸۳۰ منبع دیداری شنیداری و ۵ عنوان نشریه ادواری است. کتابخانه «مسجدالرضا»^(۳) در دو ساختمان جداگانه، هم‌زمان پذیرای آقایان و بانوان است. این کتابخانه در بولوار احمدآباد، خیابان رضا، رضای ۳۶ قرار دارد و هر روز از ساعت ۷:۱۵ تا ۲۱ می‌توان به آن مراجعه کرد. فقط خاطراتی باشد که در روزهای جمعه و تعطیل رسمی، کتابخانه از ساعت ۹ تا ۱۹ فعالیت می‌کند.

پویش ملی کتاب‌خوانی «نفس» به کار خود پایان داد

بررسی نقش کتاب در اصلاح باورهای مردم درباره فرزندآوری

مشکلات اصلی در این حوزه، معرفی محتوای هویت‌ساز است.»

❶ کتاب‌خوانی؛ بهترین روش برای تغییر باورها

حجت الاسلام والمسلمین نصر... پژمانفر، نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی، نیز که یکی از دعوت‌شدگان این مراسم بود، در سخنانی، با ذکر یک خاطره از افزایش جمعیت در دهه‌۵۰، گفت: «باورهای انسان‌ها، حتی اگر غیرواقعی باشد، باعث پدیدآمدن یک رفتار و عادت در انسان می‌شود. اگر به دنبال اصلاح رفتار هستیم، ابتدا باید باورها را تغییر دهیم. اگر اعتقاد ما بر این باشد که خداوند شاهد رفتار و کردار ماست، بدون شک، بسیاری از رفتارهای انسان اصلاح خواهد شد، و کتاب بهترین فرصت و مؤلفه برای تغییر نگرش‌ها و باورهاست. کتاب است که در روح، اندیشه و نگاه فرد نفوذ می‌کند؛ چراکه افراد کتاب‌رادر مواقعی که تمرکز دارند، مطالعه می‌کنند. معتقد هستم که پایدارترین نظام فکری انسان به واسطه کتاب به وجود می‌آید.»



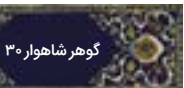
❷ ریزه‌کاری ترویج کتاب و کتاب‌خوانی

احسان سیفی، رئیس اداره امور کتابخانه‌ها و کتاب‌خوانی اداره کل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی و دبیر شورای کتاب سومین رویداد «مشهد، شهر کتاب خوان‌ها»، دیگر سخنران برنامه بود. او، در بخشی از سخنان خود، خطاب به مروجان کتاب، گفت: «در انتخاب کتاب‌های مرتبط با حوزه کودک و نوجوان، بایست با فضای کلی کتاب‌آشنایی کامل داشته باشید؛ برای معرفی یک کتاب، هرچند که آن را نخوانده باشید، باید به رویکرد آن در حوزه محتوایی و موضوعی احاطه پیدا کنید. در انتخاب کتاب، به بومی بودن محتوا و موضوع آن هم توجه داشته باشید؛ ازجمله



❸ ضرورت آگاهی مردان از مشکلات زنان

در ادامه، زهرا قدیانی، نویسنده کتاب «دو جان، خرده‌روایت‌های بارداری»، با ارائه شرحی از زندگی خود، گفت: «یکی از اهداف من در نگارش این کتاب، مسئله مهم



گوهر شاهوار ۳۰

